

خط و خوشنویسی

در تمدن اسلامی

فائزه عظم‌زاده اردبیلی
عضو هیئت علمی

داده‌اند. آنها واضعین خط عربی را سه نفر به نام "مرازم مرة"، "اسلم بن سدره" و "عامر بن جدره" از اهالی شهر انبار واقع در ساحل فرات و مغرب شهر بغداد می‌دانند و معتقدند این سه تن هر یک در تکمیل خط کوشیده‌اند. بدین ترتیب که "مرازم مره" صورت و شکل حروف را ساخت. "اسلم بن سدره" فصل و وصل حروف را وضع کرد و "عامر بن جدره" نقطه‌های آن را بنیاد نهاد.^(۳)

۱- السطر نجلی: سریانی‌های عراق خط خود را با چند قلم می‌نوشتند. از آن جمله خط مشهور به السطر نجلی بوده که اختصاص به کتات تورات و انجیل داشته است.

۲ و ۳ - تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، علی‌راحمیری، انتشارات عماد، ص ۴۸-۴۶.

● خط عربی :

"برخی از محققین تاریخ رواج خط در میان عربها را تا حدود یک قرن قبل از ظهور اسلام می‌دانند و می‌گویند که پیش از ظهور اسلام تجار عرب که به قصد تجارت به حیره (که بعدها نامش به کوفه تبدیل شد) مسافرت می‌کردند یک نوع خط را که به "السطر نجلی"^(۱) معروف بود از سریانیها فراگرفتند و آن را برای تحریر در حجاز معمول ساختند."^(۲)

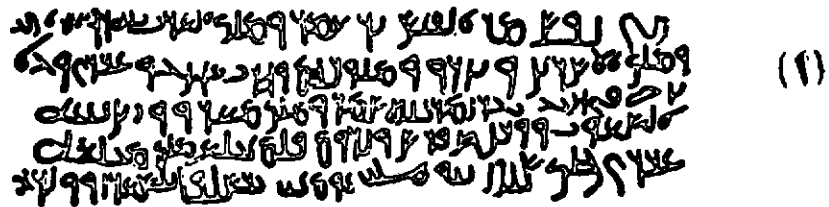
"عده‌ای از مورخین می‌گویند بازرگانان عرب هنگام مسافرت خود به شام نوعی خط متداول و معروف بنبطی را که جهت نوشتن و نامه نگاری بکار برده می‌شد آموختند و آن را بین طایفه اعراب حجاز معمول ساختند. این خط بعدها با قواعد بهتری تکمیل تر شد و به خط نسخ موسوم گردید."

"دانشمندان قدیم اسلامی درباره‌ی وضع خط عربی اطلاعات دیگری هم به دست ما

مقدمه :

خط یکی از وسایل برقراری ارتباط بین ملل مختلف از ابتدای خلقت تا کنون بوده است. شاید بتوان گفت که حضرت آدم (ع) نخستین کسی بود که خطوط را روی گل پخته نوشت و بدین ترتیب اولین خطوط جهت انتقال عقاید، فرهنگها و نیازهای جامعه بشری تکون یافت و تا بدانجا رسید که نقل شده حضرت اسماعیل (ع) اولین کسی بود که خط عربی را وضع کرد و فرزندانش "همسج" و "قیذر" آن را تفکیک کردند. و نخستین کسانی که به عربی نوشتند نصارای حیره بودند. اینک به بررسی مختصر سیر تکون خط در تحول اسلامی می‌پردازیم و با اذعان بر نقص قلم امید آن داریم که با دیده اغماض مطالعه گردد.

قدیمیترین اثر بدست آمده از زبان و خط عربی به خط نبطی کتیبه‌ای است که بسال ۳۲۸ میلادی بر سر قبر امرؤالقیس شاعر شهیر عرب در المناره واقع در حیره نوشته و نقر شده‌است و با ملاحظه و مطالعه آن استنباط می‌شود القبائی که اعراب جزیره العرب بواسطه مسافرت در اطراف ممالک مجاور و مردم متمدن تر از خود زمانی که به خط نبطی و سریانی آشنایی پیدا کردند زبان عربی خود را به خط نبطی نوشته‌اند و این خط بعدها به دو قسم متمایز کوفی و نسخ در میان اعراب حجاز پیدا شد و از اینجاست که می‌گویند خط عربی یک قرن قبل از ظهور اسلام در ناحیه حیره متداول بوده‌است. (۱) (تصویر ۱)



خط نبطی سنگ نبشته قبر امرؤالقیس متعلق به پنجاه سال قبل از هجرة رسول اکرم

در مجموع بیشتر محققین بر این عقیده‌اند که خطوط عربی ابتدایی باید از دو خط نبطی و سریانی اقتباس شده باشد. خط عربی در قرون اولیه اسلامی خط کوفی بود و خط نسخ که خط متداول امروز عربی است در سده‌های بین دوازده تا پانزده میلادی از

سریانی	نبطی	کوفی حیره	عربی
ا	Ⲁ	Ⲁ	ا
ب	Ⲁ	Ⲁ	ب
ج	Ⲁ	Ⲁ	ج
د	Ⲁ	Ⲁ	د
ه	Ⲁ	Ⲁ	ه
و	Ⲁ	Ⲁ	و
ز	Ⲁ	Ⲁ	ز
ح	Ⲁ	Ⲁ	ح
ط	Ⲁ	Ⲁ	ط
ی	Ⲁ	Ⲁ	ی
ک	Ⲁ	Ⲁ	ک
ل	Ⲁ	Ⲁ	ل
م	Ⲁ	Ⲁ	م
ن	Ⲁ	Ⲁ	ن
س	Ⲁ	Ⲁ	س
ع	Ⲁ	Ⲁ	ع
ف	Ⲁ	Ⲁ	ف
ق	Ⲁ	Ⲁ	ق
ر	Ⲁ	Ⲁ	ر
ش	Ⲁ	Ⲁ	ش
ت	Ⲁ	Ⲁ	ت

ما ائمة الاحبا الهمة احاصم فـ و حـ
 هل و ا حـ هـ ا مـ . ا مـ و هـ ا مـ و هـ
 ا لـ هـ ا مـ و هـ ا مـ . ا مـ و هـ ا مـ و هـ
 هـ ا مـ و هـ ا مـ و هـ ا مـ . ا مـ و هـ ا مـ و هـ
 هـ ا لـ و هـ . ما ائمة الاحبا الهمة
 احاصم و هـ و هـ مـ حـ لـ و ا مـ ا مـ و هـ

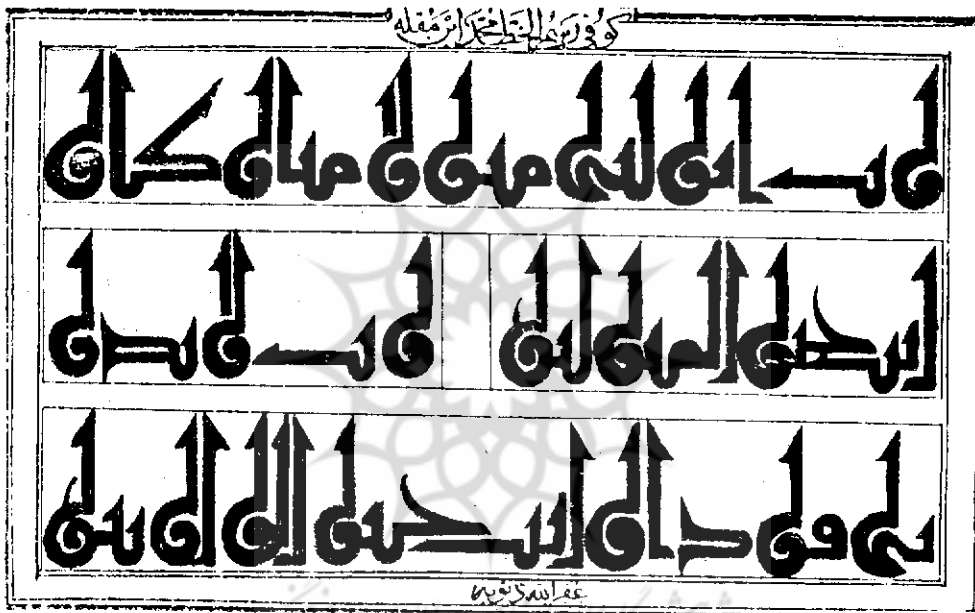
خط سریانی (۳)

● خط کوفی :

با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان ، خط کوفی در ابعادی وسیع و چشمگیر در تمدن اسلامی راه یافت. و کاتبانی از این دیار مشغول نوشتن قرآن با خط کوفی اولیه (ابتدایی) شدند. گویند: در آغاز اسلام میان قریش هفده تن خوشنویس بودند از جمله آنان عمر بن خطاب ، علی بن

ابی طالب(ع) عثمان بن عفان ، طلحه ، یزید بن ابی سفیان و میان زنان شفاء دختر عبدالعدویه از خاندان عمر و حفصه دختر عمر را نام برده‌اند.^(۱) خط کوفی در آغاز بدون اعراب و نقطه بود و خواندن و نوشتن با آن بسیار دشوار می‌نمود. مخصوصاً در نوشتن قرآن تولید اشکال می‌کرد. چون حروف شبیه هم بودند.

اما در نیمه دوم قرن اول هجری حروف مشابه را به کمک نقطه از یکدیگر متمایز کردند و گویند اولین بار دانشمند بزرگ "ابوالاسود الدؤلی" به دستور حضرت علی بن ابی طالب اقدام به این عمل کرد.^(۲) (تصویر ۴ و ۵)



(۴)

"خط کوفی"

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شبهه دیگر از خط کوفی تزئینی صورت گل و برگ (بسمله)

(۵)

۱- گلستان هنر، قاضی میر احمد منشی قمی ،
بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۵۲ ش ، ص ۸ مقدمه
۲- تاریخ مختصر خط ، ص ۵۰ و ۵۱

● **رواج خوشنویسی:** "رواج خط کوفی در میان ملل اسلامی بویژه ایران و مصر و کشورهای شمال افریقا، توجه به رونق خط عربی و نیاز به خوشنویسی و حسن خط را در میان کاتبان دو چندان می‌سازد خط از سادگی و از انحصار کتابت بیرون می‌آید و در مقام هنری مستقل، مورد نظر قرار می‌گیرد.^(۱)

با پیشرفت تمدن اسلامی و رونق خوشنویسی بعنوان هنری مستقل، خطوط زیبایی کوفی در سایر هنرهای ظریف نیز راه می‌یابد. خط کوفی بر تن سفال می‌نشیند، در تزیین ظروف فلزی سهیم می‌شود و حتی به عنوان عنصری تزیینی بر روی پارچه‌ها نقش می‌بندد.

با این همه، سرگذشت خطوط زیبایی اسلامی با اكمال خط کوفی خاتمه نمی‌یابد. هنر خوشنویسی در گستره هنر اسلامی دارای جایگاهی بس ارزشمند است. پس از خط کوفی خطوط چشمگیر دیگری در طی قرون متمادی به دست هنرمندان اسلامی بخصوص ایرانیان تولد می‌یابد.

● **ظهور ابن مقله و تحولی در خطوط اسلامی:** "خوشنویسی اسلامی (عربی) علی‌رغم تحول پویایی که تا اواخر قرن سوم هجری طی کرد، در این قرن در دوره خلافت عباسیان به باشکوه‌مندترین مرحله خود گام می‌نهد. در این دوره خوشنویسی به نام "علی محمد بن مقله بیضاوی شیرازی" در بغداد ظهور می‌کند. او در ستین جوانی به درجه استادی در هنر خطاطی رسید. نبوغ و ورزیدگی ابن مقله در علم هندسه بود که مهم‌ترین قدم منفرد ترقی را در

خوشنویسی عربی سبب گردید. وی به وزارت سه تن از خلفای عباسی، المقتدر (۲۹۶ تا ۳۲۰ هجری) القاهر (۳۲۰ تا ۳۲۳ هجری) و الرازی (۳۲۳ تا ۳۳۹ هجری) رسید. از بخت بدش وی در ناآرامترین ازمه، یعنی در اوانی که اختناق، فساد و توطئه چینی سیاسی حکمفرما بود، درگیر امور خلافت شد. همین امر سبب گردید که ابتدا شکنجه شود، سپس دست راست و زبانش قطع گردد و سرانجام به سال ۳۲۸ هجری به امر خلیفه الرازی اعدام شود. مع‌الوصف او چنان دستاوردی از خود به جا گذاشت که قبل و بعد از وی نظیر نداشته است.

در اکثر منابع تاریخ هنر اسلامی ابداع اصول قواعد خطهای متداول اسلامی را که به خطوط سته (اقلام سته) معروف هستند به ابن مقله نسبت می‌دهند. این خطوط عبارتند از: ثلث، نسخ، محقق، ریحان، رقاع، توفیق.

در طی قرن بعدی، یاقوت المستعصمی (متوفی به سال ۶۹۸ هجری) روش تازه‌ای در تراشیدن قلم ابداع کرد و قطع زدن مایل را متداول ساخت. این امر به او امکان داد که بعد تازه‌ای از توازن و وجاهت را به خطوط سته بیفزاید. به طوری که گویی کمال مطلوبی حاصل آمد که فراتر از آن میسر نمی‌شود. علاوه بر این یاقوت شیوه تازه‌ای از خط ثلث بوجود آورد که به نام یاقوتی معروف شد و گفته‌اند که از هر خط دیگری برتر گردید.

مشهور است که یاقوت، معلمی سختگیر بود و شاگردان خود را ساعات متمادی به تمرین واداشتن. وی شخصاً

همه روزه، بعنوان تمرین، دو جزء از قرآن را می‌نوشت و این برنامه‌ای بود که او ظاهراً حتی در ایامی که بغداد در سال ۶۵۶ هجری زیر تاخت و تاز سپاهیان مغول قرار داشت آن را ترک نمی‌کرد. کما اینکه گفته‌اند در اثناپی که شهر می‌سوخت، وی قلم و مرکب در دست به مناره‌ای پناه برد و به تمرین بر یک تکه پارچه کتانی پرداخت. این روایت جالب توجه، که بخوبی می‌تواند صحت داشته باشد، در مینیاتورهایی که یاقوت را در بالای مناره سرگرم کتابت نشان می‌دهند به تصویر درآمده است.

خطوط سته

خطوط عمده بنا بر سنت کلاسیک: خطوطی که بنا به سنت کلاسیک به عنوان خطوط سته شناخته شده‌اند، عبارتند از: خط ثلث، نسخ، محقق، ریحان، رقاع و توفیق.

● **خط ثلث:** خط ثلث که خطی ایستا و تا حدودی تشریفاتی است، به طور عمده برای تزیین در کتب دست‌نویس و کتیبه‌ها به کار می‌رفت. دگرگونه‌ای زینتی از خط ثلث بوسیله ابن البواب و یاقوت ابداع شد و این شیوه چنان پیوند نزدیکی با قرآن و سایر متون دینی پیدا کرد که به حق مقام خط یادبودی را به خود گرفت. کاربرد عمده آن در کتابت قرآن و در عنوانها، سرفصلها و رقمها بود. یک قرآن نفیس هفت جلدی که

۱- فصلنامه هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد

گنده نویس ، یحیی جمالی ، عبدالله صیرفی، جعفر بایسنقری ، شمس بایسنقری و دهها استاد زیر دست در ایران نام برد.

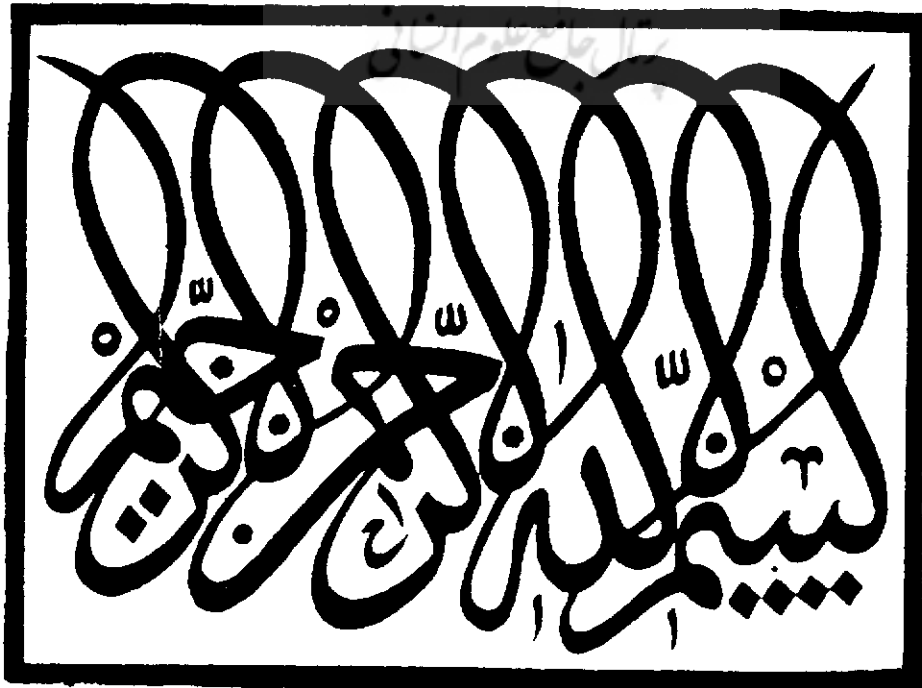
(تصویر ۶۷)

دارد که در نوع خود در دنیا بی نظیر می باشند. از اساتید این فن بعد از یاقوت مستعصمی می توان از شیخ زاده سهروردی، یوسف مشهدی ، ارغون کاملی ، مبارکشاهین قطب تبریزی ، نصرالله طیب ، سید حیدر

در کتابخانه بریتانیا محفوظ است ، از این حیث که تماماً به خط ثلث زرین جلی نوشته شده منحصر به فرد است. همچنین در کتابخانه آستان قدس و کتابخانه بیوتات و موزه های ایران ، قرآنهایی به خط ثلث وجود



(۴) نمونه خط ترقی ثلث مصنوعی عنوان "سطح" از استاد محمد اکرم سنه ۱۶۳۷ هـ



خط ثلث حلی در هیئت انصاف لام و الف کاتب احمد قره حصاری رقم ۸۷۳-۹۶۴ هجری (نصرالله طیب)

● **خط نسخ**، اگر چه می‌توان پذیرفت که خط نسخ، بعنوان لفظی کلی، پدیده‌ای است که منشأ آن به اواخر قرن دوم هجری باز می‌گردد. لیکن خط مزبور تازه در اواخر قرن پنجم شکلی اصولی به خود گرفت. این خط در آن ایام در زمره خطوط زیبا شمرده نمی‌شد و بطور عمده جهت مکاتبات معمولی، بویژه بر پاپيروس بکار می‌رفت.

جذب عمده آن برای عموم آن بود که شکلی روان و هندسی داشت و هیچگونه پیچیدگی را در بر نمی‌گرفت. مسلمانان که ساختن کاغذ را از چینیان در حدود سال ۱۳۳ هجری آموخته بودند کاربرد آن را در سراسر ممالک اسلامی رواج دادند. بطوری که بزودی جانشین محملهای نگارش دیگری چون پاپيروس و پوست گردید. سهولت



(۸)

● **خط محقق** : محقق نامی بود که نخست به خط اولیه‌ای داده شد که حروف آن به اندازه حروف خط کوفی زاویه‌دار نبود و کشیدگیهای موزون داشت. ترکیبی بود به تحقیق پرداخته. این توجه تام به بعضی جزئیات در آن زمان به یک نشانه بسنده کمال تعبیر می‌شد. با کشف کاغذ در حدود سال ۱۳۳ هجری و اشاعه سریع آن، خط محقق همچنین کاربرد گسترده‌تر و قیود کمتر پیدا کرد. در طی خلافت مأمون (۱۹۵ تا ۲۱۸ هجری) شکلی مدور و سهل یافت و سبک محبوب 'وزاقون' (کاتبان حرفه‌ای) قرار گرفت. لیکن این خط، پس از آنکه بوسیله ابن‌مقله پیرو دستگاه منسوب او دگرگون و به عنوان خط مهمی که همواره می‌تواند به دقت تکرار شود مستقر گردید،

معهدنا و ویژگیهای عمده خود را که عبارت از وجود خطوط قائم طویل و تقریباً

عدم هرگونه امتداد یا عنصر تزئینی در زیر خط را حفظ کرد. (تصویر ۹)



(۹)

بطور معمول رنگین هستند. یکی دیگر از ویژگیهای خط ریحان در مقایسه با ثلث این است که خطوط قائم آن مستقیم و ممتد می باشد. (تصویر ۱۰)

گیاهی که ساقه های بسیار لطیف دارد پیوسته می شمارند. این ویژگی از آن رو تشدید می شود که خطوط قائم و عناصر تزیینی حروف آن به تیزی ختم می گردد، و اعراب آن بسیار ظریف و همواره با قلمی بسیار ریزتر به کتابت در می آید. اعرابها

● **خط ریحان**، خط ریحان را مشتق از خط نسخ می دانستند، لکن آشکاراست که همچنین بعضی از ویژگیهای خط ثلث را داراست، اگرچه از آن بسیار لطیفتر است. بطور عمده در اثر همین لطافت است که بعضی محققان خط نام آن را با نام مشابه



(۱۰)

اشتراک دارد، ولی خطوط آن از خطوط رقاع ضخیم تر و قوسهای آن کم انحنا تر است، بطوری که بسیار وزین تر می نماید. همچنین درشت تر و بسیار مجلتر از به رقاع است، و

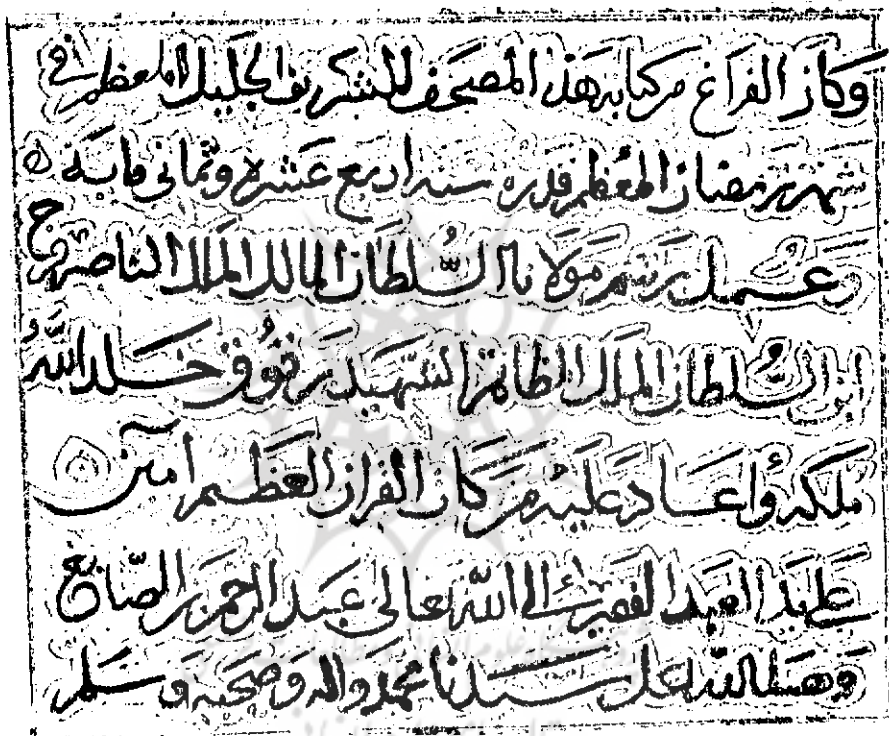
عناوین خود به کار می بردند، مشتق شده است. این خط قرابت بسیاری با خط ثلث دارد. اگر چه حروف آن مدورتر است و در بسیاری از خصوصیات با خط رقاع، وجه

● **خط توفیق** : خط توفیق (امضاء) که تواقیع نیز نامیده می شود، در عصر خلافت مأمون ابداع گردید و گویا شکلهای آن از خط ریاسی، که خلفای عباسی در امضاء اسامی و

معمولاً به موارد و مکتوبات مهم اختصاص داده می‌شود. خط توقیع، در قرن پنجم هجری به مرحله کمال رسید. استقرار آن به عنوان خطی عمده به کوشش احمد بن

محمد، معروف به ابن الخازن (متوفی به سال ۵۱۸ هجری) صورت گرفت، که از دومین نسل شاگردان ابن البواب و شیفته و پیرو هنر استاد بود. همین خوشنویس را

مبدع خط رقاع دانسته‌اند و او بود که از آن خطی عمده و بسیار وابسته به توقیع ساخت. (تصویر ۱۱)



(۱۱)

● **خط رقاع**: خط رقاع که رقع (کاغذ کوچک) نیز گفته می‌شود و از همین واژه نام گرفته است، از هر دو خط نسخ و ثلث مشتق شد. شکل هندسی حروف آن بویژه صورت تزئینی حروف آخر آن، از

جهات بسیاری به ثلث شباهت دارد، اما بسیار ریزتر و قوسهای آن مدورتر است و الف‌های آن هرگز با انتهای افشان نوشته نمی‌شود. دیگر ویژگیهای آن بدین قرار است که وسط حلقه حروف همواره پر

می‌شود و خطوط افقی بسیار کوتاه و پیوندهای حروف بسیار متراکم است. و حروف آخر کلمات غالباً به حروف اول کلمات دنبال خود می‌چسبند. این خط بطور عمده در مکاتبات خصوصی و کتب کم

خط و خوشنویس در تمدن اسلامی

اهمیت تر غیردینی بکار می رفت که معمولاً بر کاغذی به ابعاد متوسط نوشته می شد . رقاع یکی از خطوط محبوب خوشنویسان عثمانی بود و اصلاحات بسیاری بدست

خطاط بلند آوازه ، شیخ حمدالله الاماسی در آن صورت گرفت . این خط بتدریج بوسیله خطاطان دیگر ساده شد ، تا جایی که سرانجام به یکی از پسندیده ترین و

متداولترین خطوط مبدل گردید . امروزه در سراسر جهان اسلام از آن به عنوان رایجترین خط استفاده می شود. (تصویر ۱۲)



(۱۲)

● خط غبار : ابداع خط غبار که با نام کامل غبار الحنبه نیز خوانده می شود به الاحول منسوب است که ظاهراً آن را در قرن سوم هجری از خط ریاسی مشتق ساخت . اگرچه آن را از دیرباز بعنوان خط کتابتی با حروف بسیار مدوّر و فاقد هرگونه

خط راست توصیف کرده اند ، لیکن صورت تحول یافته ای از خط غبار که تا امروز دوام یافته مشتمل است بر حروف ریز مدوّر با بعضی ویژگیهایی که آن را به هر دو خط ثلث و نسخ وابسته می سازد . این خط در بدو امر به منظور نگارش پیامها و مکاتبات کوتاه بر

اوراق کوچک کاغذ که بایست با کبوتر نامه بر ارسال می شدند ابداع شده بود ، اما پس از آن برای مقاصد دیگر و حتی برای تهیه قرآنهای بسیار کوچک ، مورد استفاده قرار گرفت .

● **خط طویار** : این خط اگر چه حروف درشت و وزین خود را حفظ کرد اما در قرن چهارم هجری حالت ایستا و زاویه دار خود را از دست داده بود. از برکت دستان ابن مقله ، ابن البواب و یاقوت المستعصمی حروف مجللی با قوسهای موزون پیدا کرد . تا اندازه‌ای مشابه خط ثلثی که به حد افراط درشت نوشته شود.

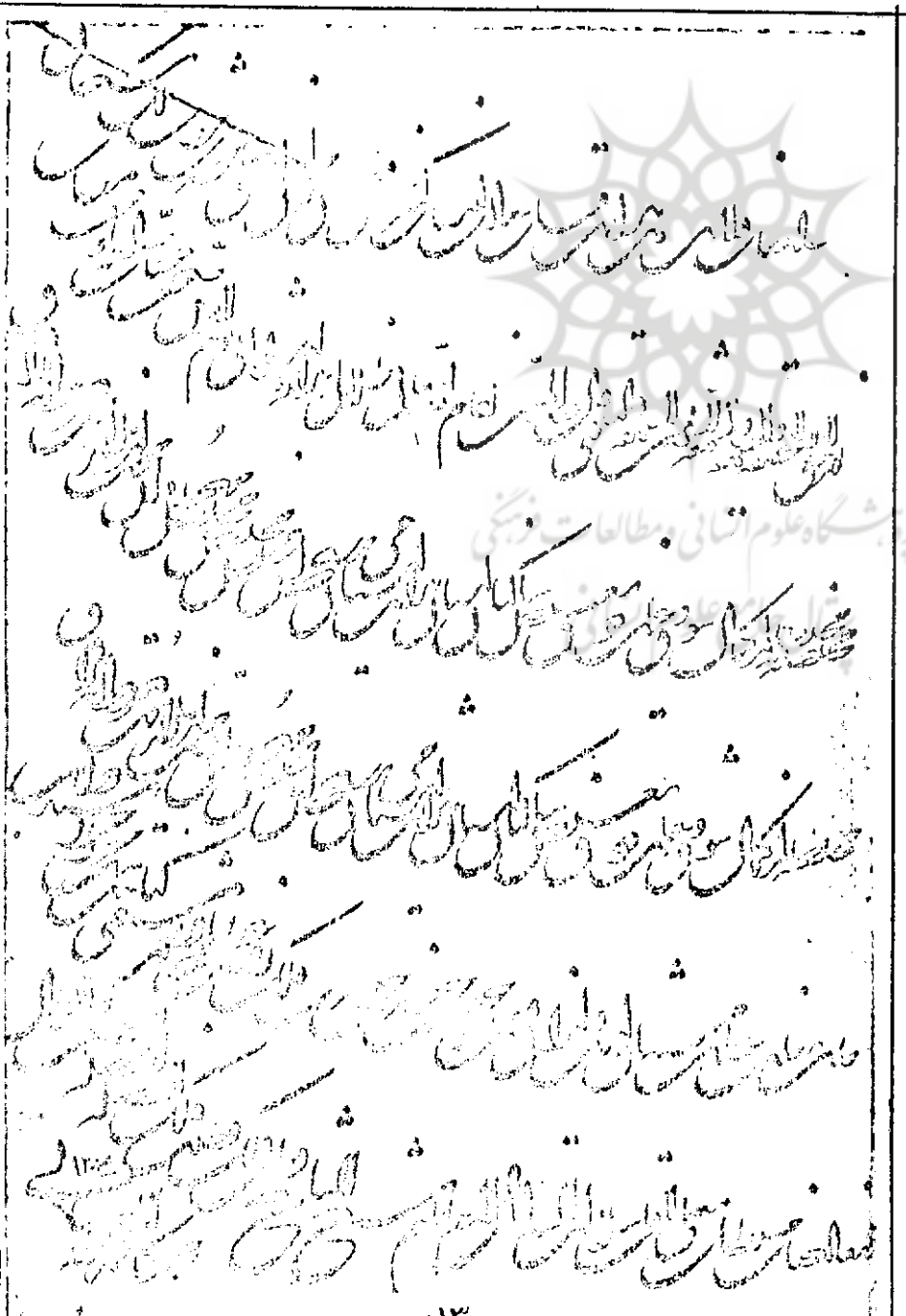
بطور کلی باید بحق گفت : قرون هشتم و نهم و دهم هجری از دوره‌های درخشان روح و پیشرفت و تکامل هنر خوشنویسی است و کمال و جمال این هنر در تمام مجامع فرهنگی مورد نظر بود و امرا و بزرگان جلابری و مظفری و تیموری و صفوی به این هنر توجه خاص میدول می‌داشتند و از تزیینت و تشویق خوشنویسان دقیقهای فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از آنها خود از خوشنویسان بنامی بودند که آثار هنری ایشان از نمونه‌های بارز خوشنویسی است.

● سهم ایرانیان در رونق هنر

خوشنویسی : در حدود اواسط قرن هشتم هجری متناوباً سه خط دیگر در میان خطوط اسلامی جلوه گر شد. این سه خط که به نام‌های تعلیق ، نستعلیق و شکسته نستعلیق شناخته شده است به تناوب در ظرف مدت سه قرن وضع و تکمیل شد و خوشنویسان با سلیقه مخصوص خود در اندک زمانی شیوایی آن خطوط را به وجه کمال رسانیدند و با اینکه سایر خطاطان دیگر کشورهای اسلامی مانند هندوستان ، عثمانی و حتی مصر از این خطوط تقلید کردند ولی هیچگاه به پایه و مایه خوشنویسان ایرانی در آن باب نرسیدند.

● **خط تعلیق** : قلم تعلیق قلمی است تازه و تأثیر آشکار و شدید خطوط اوستایی و پهلوی در آن دیده می‌شود و کهن‌ترین اثر از این قلم را بر روی ظروف سفالین سده ششم هجری می‌توان یافت . خط تعلیق که در آغاز خط تحریر و برای نوشتن کتابها و نامه‌ها به کار می‌رفت کم‌کم بصورت شکسته درآمد و بواسطه زیبایی ظاهر که در شکل حروف و کلمات و سطور آن مشهود بود

خود، موضوع خوشنویسی و هنر نمایی گردید. از خوشنویسان بنام این فن می‌توان از اساتیدی همچون خواجه ابوالعال ، خواجه تاج سلمانی اصفهانی ، عبدالحق استرآبادی، درویش عبدالله سلطانی ، شهاب الدین عبدالله مروارید کرمانی (بیانی) ، خواجه اختیار منشی گنابادی و محمد کاظم و اله اصفهانی نام برد. (تصویر ۱۳)



● **نستعلیق**، در سیمه دوم قرن هشتم دومین قلم و معروفترین خط ایرانی یعنی نستعلیق توسط خوشنویسان مسلمان ایرانی آغاز به خودنمایی کرد. این خط که آن را عروس خطوط اسلامی می‌دانستند از ظریفترین و دقیقترین آثار هنری خوشنویسی ایران است.

نستعلیق ترکیبی از نسخ و تعلیق است و هنگامی که نستعلیق و تعلیق با یکدیگر مقایسه می‌شوند معلوم می‌گردند که این دو خط از حیث آزادی و بیانگری سبک دارای وجه اشتراک هستند. در هر دو، دگرگونیهای شکل و آرایش حروف، آهنگی ضرباندار بوجود می‌آورد. لیکن نستعلیق در عین آزادی ظاهری اش بیش از تعلیق به روحیه خطوط سنجیده نزدیک است. علی‌رغم تنوع فراوانی که در نستعلیق نویسی کاتبان مختلف یافت می‌شود. نگارش یک خوشنویس معین معمولاً دارای ساختمان همگن است. از وجوه سبکهای قابل شناخت فردی در خط نستعلیق، انتقال چهارچوب تناسبات ویژه‌ای از یک معلم به شاگردان او را می‌توان یافت. خط نستعلیق با وجود اینکه دقیقترین و زیباترین خطوط محسوب می‌شود، در عین حال مشکلترین خط نیز هست. (تصویر ۱۴)



● خط شکسته نستعلیق ، در اواخر دوره صفویه سومین خط از خطوط خاص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق کم‌کم آغاز به خودنمایی کرد و کیفیت پیدایش آن این بود که پس از وضع قلم نستعلیق تا مدت دو قرن این قلم وسیله کتابت کتابها و خوشنویسی قطعات و مرقعات و غیره بود. و برای کتابت مکاتب و فرامین از خط شکسته تعلیق استفاده می‌شد. در اواسط قرن یازدهم از خط شکسته تعلیق به علت دشواری قرائت کم‌کم صرف‌نظر شد و همان خط نستعلیق را برای تحریرنامه‌ها بکار می‌بردند که در نتیجه سرعت قلم و تندنویسی بصورت شکسته درآمد و عنوان شکسته نستعلیق گرفت و پس از آن خط شکسته رونق و رواج فراوان یافت چنانکه می‌توان گفت در میان ایرانیان قلم شکسته بیش از دیگر خطوط متداول شد و خوشنویسان بسیار در این خط ظاهر شدند که معروفترین آنها در قرن سیزدهم عبارتند از : سید محمد صادق ، سید محمد اسماعیل و سیدابوالقاسم و

میرزا بابا انجوی شیرازی - وصال شیرازی و پسرانش - میرسید علی نیاز شیرازی - میرزا علی محمد لواسانی - میرزا ابوالفضل ساوجی و میرزا محمد رضا کلهر .
خط شکسته با این که واضح و قابل خواندن بود در نتیجه تصرفاتی که در آن شد روز به روز به پیچیدگی و درهمی و پیوستگی حروف و کلمات آن افزوده شد تا جایی که خواندن آن در دشواری به پایه شکسته تعلیق رسید و چون خط قلم عمومی و متداول کتابت شده بود و هنوز هم هست .

با شروع قرن چهاردهم همگام با زوال بسیاری از هنرهای ظریف، خط و خوشنویسی نیز رونق و اعتبار خود را از کف می‌دهد. با این همه در مقام مقایسه با سایر هنرها این هنر به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در کتابت و سایر جنبه‌های فرهنگی و هنری داشت به انحطاط کشیده نشد. در گوشه و کنار ، خوشنویسان تجربه در این هنر را ادامه دادند و گاه نیز سهمی فراخور توجه از آن خود ساختند.^(۱) (تصویر ۱۵)

● قرن سیزدهم ، رجعت به ارزشهای گذشته ، در آغاز قرن سیزدهم هنر خوشنویسی جان تازه‌ای می‌گیرد. این تحول مدیون توجه و عنایت خوشنویسان به کار مجدد در زمینه خط نسخ است. آثار به‌جامانده از خوشنویسان خط نسخ در این دوره بویژه در کار وصال شیرازی و فرزندانش وقار ، حکیم ، داوری ، گواهی بر رونق و اعتبار دگر باره خط نسخ است.

۱- فصلنامه ، شماره ۶ ، ص ۱۷۵ .



(۱۵)

